

ابزار تحریم و سیاست خارجی امریکا در قبال ایران



محسن اسلامی *

فرزانه نقدی **

eslami@modares.ac.ir

* استادیار گروه روابط بین الملل دانشگاه تربیت مدرس

** کاندیدای دریافت دکترای روابط بین الملل دانشگاه تربیت مدرس farinaghdi@yahoo.com

تاریخ تصویب: ۹۵/۷/۲

تاریخ دریافت: ۹۵/۳/۳۱

فصلنامه روابط خارجی، سال هشتم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۵، صص ۷۱-۳۷.

جمهوری اسلامی همواره با تحریم‌ها روبرو بوده و سیاست و روابط خارجی آن، به خصوص با ایالات متحده و اتحادیه اروپایی، تحت تاثیر تحریم‌ها قرار داشته است. توافق بین‌المللی برجام (۱۳۹۴)، پس از تحریم‌های متوالی، موافقان و مخالفان را به گمانه‌زنی‌های بسیار درباره بازتاب برجام در سیاست خارجی دو کشور برانگیخته است. به باور موافقان برجام، این توافق به معنای خاتمه سیاست‌های تحریم ایالات متحده علیه جمهوری اسلامی است. در حالی که از نظر این مقاله به واسطه شرایط پیچیده خاورمیانه، گسترش تروریسم و وضعیت گذار ژئوپلیتیک منطقه، تحقق چنین شرایطی بعید به نظر می‌رسد. سؤال اصلی این است که تاثیر برجام بر سیاست خارجی ایالات متحده، به ویژه سیاست تحریم در برابر جمهوری اسلامی ایران در پسابرجام چه خواهد بود؟ بنا به فرضیه مقاله، تحریم‌های مالی، اقتصادی، دفاعی و نظامی به عنوان یک راه حل آزمایش شده در مهار قدرت اقتصادی و نظامی ج.ا. ایران، در سند راهبردی ایالات متحده امریکا نهادینه شده است و نمی‌توان آن را به آسانی نادیده گرفت. نظریه تحریم، منافع ایالات متحده و متحدان منطقه‌ای آن کشور را همچون رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی، تامین کرده است و این گروه، آزادسازی انرژی مالی و اوج‌گیری قدرت جمهوری اسلامی در پسابرجام را مخالف منافع خود و در جهت پیروزی کامل محور مقاومت و تسهیل زمینه‌های تسلط جمهوری اسلامی در منطقه می‌بینند. بنابر ذهنیت نخبگان سیاسی ایالات متحده، گفتمان‌های مخالف توافق هسته‌ای و موفقیت سیاست تحریم ج.ا. ایران در تامین منافع ایالات متحده، استمرار تحریم و تصویب تحریم‌های جدید از سوی نخبگان سیاسی ایالات متحده بسیار محتمل خواهد بود.

واژه‌های کلیدی: نظریه‌های تحریم، نظریه بازی‌ها، تحریم‌های بین‌المللی، توافق برجام، فرصت‌ها و چالش‌های برجام

مقدمه

بیش از ۳۵ سال است که طراحان تحریم در ایالات متحده، به منظور تاثیرگذاری بر ابعاد اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، جمهوری اسلامی را مورد هدف قرار داده‌اند. در فاصله سال‌های ۱۹۷۹ تا ۲۰۰۵، تحریم‌ها بیشتر به صورت یک‌جانبه و اعمال محدودیت‌های سیاسی و تجاری برای اشخاص امریکایی اجرا شد. از ۲۰۰۶ به بعد، در پاسخ به فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی و تلاش‌های ایالات متحده برای منزوی کردن کشور، سازمان‌های بین‌المللی نظیر سازمان ملل و اتحادیه اروپایی به برنامه تحریم‌های ایالات متحده ملحق شدند.

طی سال‌های اخیر، ابعاد اقتصادی تحریم‌ها گسترش یافت و به تدریج در کلیه بخش‌ها از نفت و خودروسازی تا بیمه، بانک‌ها و آموزش رخنه و در نهایت تحریم‌های ۲۰۱۰-۲۰۱۱ اتحادیه اروپایی علیه بانک مرکزی و سایر نهادها یا بانک‌های دولتی و شعب خارجی، بنیان‌های اقتصادی کشور را درگیر نمود. مذاکرات هسته‌ای در سال‌های متوالی گذشته، با عدم تفاهم طرفین به نتیجه‌ای نرسید، تا سرانجام، پس از برگزاری بیش از ۷۲ نشست، در تاریخ ۲۰۱۵/۷/۱۴ سند برنامه جامع اقدام مشترک (برجام)^۱ میان جمهوری اسلامی ایران و گروه ۵+۱، منتشر و در ۲۰۱۶/۱/۱۶ اجرایی شد. اما چالش‌های موجود در روند اجرا و عملیاتی شدن مفاد برجام، بروز اختلافات و تنش‌های داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی را در دوره پس‌برجام به همراه داشته است.

نقش‌پذیری و ظرفیت‌های بالقوه جمهوری اسلامی، به‌عنوان یک قدرت



منطقه‌ای، نگرانی کشورهای عربی به‌ویژه عربستان سعودی و دیگر متحدان منطقه‌ای ایالات متحده را در خصوص تمایل جمهوری اسلامی به گسترش حوزه نفوذ و استقرار در جایگاه هژمون منطقه را دربرداشته است. اقدامات عربستان سعودی و کشورهای هم‌پیمان وی پس از توافق هسته‌ای؛ نظیر حمله به یمن، اعدام شیخ نمر، رهبر شیعیان عربستان، فراخوانی سفرای عربستان سعودی، کویت، امارات و قطر و اظهارات تند مقامات عربی، به‌ویژه عربستان سعودی علیه جمهوری اسلامی، بیانگر هراس همسایگان عربی از دستیابی جمهوری اسلامی به منابع مالی بلوکه شده و صرف آن در بخش نظامی و تسلیحاتی، تقویت حزب‌الله و حماس، حمایت از شیعیان و ایجاد تزلزل در نظام حکومتی رهبران سنی منطقه در پس‌برجام است (Katzman, 2016: 1-3 & 9-11).

از سوی دیگر، وجود اسرائیل، دشمن دیرینه جمهوری اسلامی در خاورمیانه و توجه به منافع این رژیم نیز نقش موثری در سیاست‌های ایالات متحده در رابطه با جمهوری اسلامی ایفا می‌نماید. از زمان تشکیل اسرائیل (۱۹۴۸)، امنیت آن در منطقه همواره برای ایالات متحده مهم بوده است. با امضای تفاهم‌نامه گروه مشترک نظامی و سیاسی^۱ (۱۹۸۳) و پیمان تجارت آزاد^۲ میان اسرائیل و ایالات متحده (۱۹۸۵) و تفاهم‌نامه‌های دوجانبه بعدی، اسرائیل به بزرگ‌ترین شریک تجاری ایالات متحده تبدیل شد، بیشترین میزان کمک خارجی را از ایالات متحده دریافت می‌کند و بزرگ‌ترین مشتری سلاح‌های آمریکایی است. اشتراک در نظام سیاسی (دموکراسی)، وابستگی‌های نسبی مذهبی و لابی قوی اسرائیل (آپیک) در کنگره آمریکا از دیگر عوامل تقویت‌کننده روابط دوجانبه و تمایل ایالات متحده به حفظ امنیت این رژیم در منطقه است. بیانیه مجلس سنای آمریکا (می ۲۰۱۳) با تاکید بر تعهد ایالات متحده نسبت به حمایت دیپلماتیک، اقتصادی و نظامی از دولت، مردم و قلمرو اسرائیل در برابر تهدیدهای برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران، صحنه گذاشته است (Zanotti, 2015: 1 & 33). بنابراین، ایالات متحده و

1. Joint Political Military Group (JPMG)
2. Free Trade Agreement (FTA)

هم‌پیمانان منطقه‌ای آن، افزایش قدرت جمهوری اسلامی را موافق منافع خود نمی‌بینند و روسای ایالات متحده، دموکرات یا جمهوری خواه، همواره برای مهار قدرت این کشور و ایجاد امنیت، اطمینان و رضایت در میان متحدان منطقه‌ای تلاش خواهند نمود.

بر این اساس و با مطالعه در رویدادها و فرصت‌های تعاملاتی اخیر و رفتار سیاسی دو کشور در دوره پسابرجام، این سؤال به ذهن متبادر می‌شود که آیا برجام به معنای پایان بخشیدن به سیاست‌های تحریم و پیامدهای آن در دوره پسابرجام خواهد بود یا سیاست تحریم به‌عنوان یک سیاست محوری موثر و کارآمد در سیاست خارجی ایالات متحده امریکا در برابر ج.ا. ایران کماکان به ایفای نقش خواهد پرداخت؟ در واقع سؤال اصلی مقاله این است که تاثیر برجام بر سیاست خارجی ایالات متحده، به‌ویژه سیاست تحریم، در برابر جمهوری اسلامی ایران در پسابرجام چه خواهد بود؟

برای پاسخ به این سؤال، با استفاده از داده‌های کتابخانه‌ای و اسنادی به بررسی و تحلیل اطلاعات و آمار گردآوری شده مرتبط با نظریه‌های تحریم، درک نخبگان سیاست خارجی ایالات متحده - به‌عنوان یکی از اعضای محوری گروه ۵+۱- و تاثیر تحریم‌های بین‌المللی بر اقتصاد جمهوری اسلامی طی سال‌های تحریم و همچنین رصد اخبار و تحولات داخلی و بین‌المللی در دوران پسابرجام، جایگاه سیاست تحریم در گفتمان سیاست خارجی ایالات متحده امریکا در برابر جمهوری اسلامی ایران را مورد مطالعه قرار داده و این فرضیه مطرح است که نظریه تحریم تاکنون در تامین منافع ایالات متحده و متحدان منطقه‌ای‌اش، موفق عمل کرده است و از نظر این گروه، رفع تحریم‌ها، آزادسازی انرژی مالی و اوج‌گیری قدرت جمهوری اسلامی در پسابرجام مخالف منافع آنان و به نفع پیروزی کامل محور مقاومت و تسهیل زمینه‌های تسلط جمهوری اسلامی در منطقه است. به عبارتی، نظر به ذهنیت نخبگان سیاسی ایالات متحده، گفتمان‌های مخالف توافق هسته‌ای و موفقیت سیاست تحریم در تامین منافع ایالات متحده، استفاده از ابزار تحریم، به‌عنوان یک راه‌حل آزمایش شده در مهار قدرت اقتصادی و نظامی

ج.ا. ایران، در سند راهبردی ایالات متحده امریکا نهادینه شده است و تصویب تحریم‌های جدید مالی، اقتصادی، دفاعی و نظامی علیه این کشور از سوی نخبگان سیاسی ایالات متحده در پسابرجام بسیار محتمل خواهد بود.

مجموعه مطالعات این مقاله حوزه‌های مختلف را به شرح زیر شامل می‌شود:
۱- نظریه‌های تحریم؛ ۲- اثرات تحریم‌های بین‌المللی بر ج.ا. ایران و ۳- برجام/ لغو تحریم‌ها، نظریه‌های موافق و مخالف و تاثیر آن بر کشور.

کتاب (مجموعه مقالات) *نظریه‌های تحریم/اقتصادی*، نظریه‌های تحریم، به‌ویژه تحریم‌های اقتصادی، دلایل و شرایط گسترش تحریم، پیامدها و اهداف آن در کشورهای مختلف را بررسی کرده و ضمن اشاره به ابعاد اقتصادی، اجتماعی و اخلاقی تحریم، در خصوص عواقب غیرانسانی آن هشدار داده است (زهرانی، ۱۳۷۶). *معمای تحریم*، ضمن بیان تاریخچه و انگیزه شکل‌گیری تحریم‌های ایالات متحده و سپس همراهی سایر دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی، با تاکید بر ناموفق بودن تحریم‌ها در هدف غربی‌ها برای تغییر یا براندازی نظام جمهوری اسلامی، تداوم تحریم در مقابله با جمهوری اسلامی ایران را برای غرب موفقیت‌آمیز پیش‌بینی نمی‌کند (شکوهی، ۱۳۹۱).

اقتصاد سیاسی تحریم‌های اقتصادی، ضمن بررسی ماهیت تاریخی و اثرات تحریم‌ها از زمان ناپلئون، تاکید می‌کند که میزان تاثیرپذیری کشورها از تحریم، براساس ساختار سیاسی و اقتصادی هر کشور متفاوت است. تحریم‌ها به‌جای ابزار نظامی و بیشتر از جانب کشورهای دموکراسی‌محور و با انگیزه مقابله با تهدیدهای امنیتی و رفاهی شهروندان اعمال می‌شود. درحالی‌که حکومت‌های دیکتاتوری کمتر به رفاه عمومی مردم خود می‌اندیشند و در نتیجه راحت‌تر به گزینه نظامی روی می‌آورند (Kaempfer and Lowenberg, 2007).

کتاب *اقتصاد سیاسی تحریم ایران*، به ساختار و آثار تحریم‌ها از منظر اقتصاد سیاسی پرداخته است و با ارائه گزارش‌های کاربردی تلاش می‌کند تا سیاست‌گذاران را در درک و پیش‌بینی آینده نسبت به اثرگذاری تحریم‌ها و ضرورت انجام اقدامات پیشگیرانه آگاه کند (یارمحمدی، ۱۳۹۳). در مقاله ایران:



تحریم‌های اقتصادی امریکا و مجوز لغو تحریم‌ها، ضمن ارائه اطلاعات کامل در خصوص تاریخچه، نوع و مکانیسم اجرایی پیچیده تحریم‌های ایالات متحده علیه نهادهای اقتصادی، تجاری و بانکی ج.ا.ایران در اقتصاد بین‌الملل اظهار می‌دارد که لغو تحریم‌ها تنها با ارائه شواهد و مستندات رئیس‌جمهور ایالات متحده مبتنی بر رفع تهدید دولت جمهوری اسلامی به‌عنوان حامی تروریسم میسر است (Rennack, 2015).

از نظر مقاله عصر تحریم: جایگزینی برای مداخله نظامی، تحریم مهم‌ترین ابزار جایگزین حملات نظامی در سیاست خارجی ایالات متحده پس از دوران جنگ سرد است و گسترش همکاری‌های بین‌المللی و وابستگی‌های متقابل اقتصادی میان کشورها در عصر جهانی‌شدن، سبب افزایش قدرت نهادهای بین‌المللی، چندلایه شدن و در نتیجه تاثیرگذاری بیشتر تحریم‌ها با صرف هزینه‌های کمتر شده است (Lopez and Cortright, 1995) الیاس، تحلیل‌گر تامین مالی و تجارت بین‌الملل^۱ در سرویس پژوهشی کنگره ایالات متحده،^۲ از یک‌سو با بررسی مشکلات اقتصادی جمهوری اسلامی در دوران تحریم، نشان می‌دهد که چگونه تحریم‌ها تعاملات بین‌المللی، فروش نفت و حتی سیاست‌های انتخاباتی دولت جمهوری اسلامی را تحت تاثیر قرار داده است و از سوی دیگر جهانی‌شدن تجارت و نقش ج.ا.ایران در بخش انرژی سبب می‌شود تا کشورها، به دنبال راه‌گزینی برای فرار از تحریم‌ها، راهکاری برای ارتباط با این کشور طراحی و تحریم‌ها را بی‌اثر کنند (Ilias, 2010).

در مقاله اثربخشی تحریم‌های اتحادیه اروپایی، با استفاده از استراتژی چهار مرحله‌ای زیر میزان موفقیت تحریم‌های هسته‌ای اتحادیه اروپایی علیه جمهوری اسلامی ارزیابی شده است: بررسی نقش تحریم‌ها در سیاست خارجی کشور تحریم‌کننده، فهم هدف تحریم‌ها، اثرگذاری و هزینه‌های تحریم، کاربرد رقابتی تحریم. بر این اساس، کاهش قابل توجه رشد تولید ناخالص داخلی (GDP)، کاهش



ارزش ریال ایران به ۲/۳ ارزش خود از ۲۰۱۱، افزایش نرخ بیکاری (۱۲٪ یا بیشتر)، کاهش قابل توجه تعاملات اروپا با جمهوری اسلامی در زمینه صادرات، واردات و تجارت در فاصله سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۲، کاهش ۲۷٪ صادرات نفت جمهوری اسلامی از ۹۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۱ به ۶۹ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۲ و... بیانگر اثربخشی تحریم‌های اتحادیه اروپایی، به‌طور خاص در سه بخش زیر بوده است: ۱- کاهش دسترسی جمهوری اسلامی به فن‌آوری‌های مرتبط با توسعه برنامه هسته‌ای؛ ۲- محدودیت و مشکلات بانک‌های ایرانی برای دسترسی به بازارهای مالی و ۳- کاهش بودجه دولت به دلیل تحریم‌های نفت و گاز. براساس ارزیابی فوق، تحریم‌های اتحادیه اروپایی و متحدانش در مقابله با توانمندی‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی و کشاندن این کشور به میز مذاکرات تا حدود زیادی موفق عمل کرده است (Giumelli & Ivan, 2013: 1 & 15-20).

کترمن، متخصص امور خاورمیانه^۱ ضمن بررسی سیاست خارجی و روابط ایران با کشورهای همسایه از خلیج فارس تا آسیای جنوب شرقی، دلایل مخالفان برجام را این‌گونه برمی‌شمارد: ۱- آزاد شدن منابع مالی ایران و دسترسی دولت جمهوری اسلامی به منابع لازم برای دستیابی به فن‌آوری‌های گسترش راکت و موشک بالستیک و امکان گسترش جنگ‌های نیابتی در منطقه؛ ۲- رفع تحریم سلاح، افزایش قدرت نیروی دریایی جمهوری اسلامی به‌ویژه در تنگه هرمز و توانمندسازی بیشتر نیروی نظامی و قدرت منطقه‌ای این کشور؛ ۳- بهره‌مندی دولت جمهوری اسلامی از منابع مالی برای حمایت از مخالفان دولت‌های منطقه نظیر مخالفان بحرینی و ۴- برقراری پیوند تجاری جمهوری اسلامی با اقتصاد بین‌الملل و گسترش روابط تجاری با کشورهای افریقایی و امریکای لاتین نظیر ونزوئلا که تاکنون به دلیل تحریم‌ها معلق مانده بود (Katzman, 2016: 34-35).

بنا به مقاله ایران پس از توافق هسته‌ای، این توافق نگرانی‌های ایالات متحده، اسرائیل و عربستان سعودی را نسبت به تهدید هسته‌ای جمهوری اسلامی کاهش نداده است؛ زیرا برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی، اگرچه به‌کندی، روند توسعه

خود را طی خواهد نمود و این امر به رقابت تسلیحاتی و هسته‌ای در منطقه و افزایش تمایل این کشور به کسب جایگاه قدرت و هژمون منطقه‌ای خواهد انجامید که به نفع امریکا و متحدان منطقه‌ای او نیست (Pawlak, 2016: 4). به‌ویژه اسرائیل، نگران افزایش حمایت جمهوری اسلامی از گروه‌های مخالف اسرائیل، حزب‌الله و حماس و افزایش توان مالی و نظامی و احتمال دسترسی این دو گروه به تسلیحات موشکی در پسابرجام است (Malka, 2016: 2).

در بخش مطالعات تحریم‌های نفتی و اثرات رفع آن بر اقتصاد انرژی جمهوری اسلامی ایران و جهان، مقاله اثرات اقتصادی رفع تحریم اقتصادی ایران با استفاده از داده‌های آماری، رشد اقتصادی جمهوری اسلامی در بخش انرژی و تاثیر آن بر رشد سرانه تولید ناخالص و تولید نفت جهانی، کاهش قیمت و همچنین نرخ تورم نفت در جهان را نشان می‌دهد (Versailles, 2016). مقاله رفع تحریم‌های اقتصادی ایران نوشته سه اقتصاددان بانک جهانی^۱ با مقایسه آماری معاملات انرژی جمهوری اسلامی، در دوران پیش و پس از برجام، به نقش موثر رفع تحریم‌ها در افزایش قابل‌توجه صادرات نفت جمهوری اسلامی، کاهش هزینه‌های صادرات و تغییر الگوهای تجاری و عرضه و تقاضای جهانی می‌پردازد و با تخمین رشد ۳٫۷٪ سرانه رفاهی جمهوری اسلامی، معتقد است از آنجا که صادرات نفتی دولت ج.ا. ایران، ۶۴٪ درآمد صادراتی کشور و ۸٪ صادرات جهان را شامل می‌شود، رفع تحریم‌های نفتی تاثیر قابل‌توجهی بر اقتصاد کلان و تعاملات اقتصادی جمهوری اسلامی با کشورهای جهان خواهد گذاشت (Ianchovichina, Devarajan, & Lakatos, 2016).

در بسیاری از مقالات، ماهیت برجام و پیامدهای آن مورد بررسی قرار گرفته است. بنا بر توافق معیوب، برجام نه تنها از پوشش نگرانی‌های غیرهسته‌ای ایالات متحده در مورد جمهوری اسلامی ناتوان است بلکه در رفع دغدغه‌های هسته‌ای نیز موفق عمل نکرده است و رفع تحریم‌های اقتصادی، تسلیحاتی و تکنولوژی‌های موشکی سبب دسترسی جمهوری اسلامی به منابع مالی عظیم

بلوکه شده و در نتیجه تقویت نظامی، هوایی و موشکی و تثبیت قدرت این کشور در منطقه می شود (Wilson, 2015).

در مقاله توافق هسته‌ای ایران: آنچه باید در مورد برجام بدانید،^(۱) با ارزیابی مثبت از ابعاد مختلف برجام و نظر به ملاحظات و دغدغه‌های محافظه‌کارانه ایالات متحده، تاکید می‌شود که برجام نه بر پایه اعتماد، بلکه بر پایه راستی آزمایی بنا شده و دولت امریکا با وجود پافشاری جامعه بین‌الملل بر لغو تحریم‌های جمهوری اسلامی، زمانی ۵ الی ۸ سال را برای لغو تحریم‌های اقتصادی در نظر گرفته است و همواره از ابزار تحریم برای اعمال فشار و محدودیت بر فعالیت‌های هسته‌ای، موشکی و تسلیحاتی جمهوری اسلامی بهره خواهد برد. به‌علاوه، تحریم‌های اولیه ایالات متحده که روابط تجاری میان افراد و شرکت‌های امریکایی با ایران را منع می‌کند، و شرط بازگشت‌پذیری^۱ تحریم‌ها، به‌عنوان سوپاپ اطمینان و تا رفع تهدیدهای هسته‌ای جمهوری اسلامی، این کشور را همچنان در معرض تحریم‌های ایالات متحده قرار خواهد داد (The White House, 2016).

مقاله تحریم‌های اقتصادی ایران، پیشینه و پیامدهای آن، ضمن بررسی تاریخیچه تحریم‌های جمهوری اسلامی و اثرات آن بر اقتصاد کشور، بر ضرورت تمرکز بر اقتصاد داخلی، تشویق کارآفرینان و ایجاد فضای اشتغال خصوصی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی و ثبات روبه در قوانین سرمایه‌گذاری و تقویت حضور و تعاملات بین‌المللی تاکید می‌کند (مهربانی، ۱۳۹۴). فاز صفر اقتصاد ایران در دوره پساتحریم بهبود اقتصادی وضعیت کشور در دوران پسابرجام را به تصمیم دولت در خصوص ایجاد تحول بنیادی در بخش داخلی، سیاست‌های اتخاذی و برنامه‌ریزی در جهت بهره‌مندی بهینه از فضای ایجادشده مشروط می‌کند (رنانی، ۱۳۹۴). نظر به تمرکز این مقاله بر اثرگذاری تحریم‌ها بر جمهوری اسلامی ایران و نهادینه شدن تحریم در سیاست خارجی ایالات متحده، در ادامه مبحث نظریه‌های تحریم و نظریه بازی‌ها، به‌عنوان چهارچوب مفهومی مقاله، مطرح می‌شود.

۱. نظریه‌های تحریم، نظریه بازی‌ها

نظریه‌های تحریم، تحریم‌های بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی ایران. بنا به نظریه‌های تحریم، تحریم‌های اقتصادی به منظور محروم‌سازی کشور هدف از بهره‌برداری از منابع و فرصت‌های اقتصادی و ایجاد رکود اقتصادی از طریق اختلال در سیستم درآمدها و توزیع منابع اقتصادی و با هدف تغییر در نظام سیاسی کشور هدف اعمال می‌شود. کمفر و لوونبرگ^۱ انگیزه اعمال تحریم‌ها را در سه گروه تقسیم‌بندی کرده‌اند: اهداف امنیت ملی، اهداف اخلاقی یا ایدئولوژیکی، حل مسائل مربوط به تجارت بین‌الملل یا سرمایه‌گذاری (شکوهی، ۱۳۹۱: ۱۱-۱۲).

لیندزی^۲ یکی از پنج هدف زیر را به عنوان هدف اصلی کشورها در اعمال تحریم مطرح می‌کند: تطبیق، براندازی، بازسازی، نمادگرایی بین‌المللی، یا نمادگرایی داخلی و نوسال^۳ با رجوع به لیتون براون^۴ و مارگارت دوکسی^۵ از مجازات یا تنبیه بین‌المللی برای تبیین تحریم‌ها استفاده می‌کند. به نظر دوکسی تحریم‌ها اقدامات و برنامه‌های هدفمندی را شامل می‌شود که به منظور تحقق اهدافی معین، هزینه‌های خاصی را بر رفتار و شرایط زندگی کشور هدف تحمیل می‌کند (Nossal, 2015: 307-312). از نظر گالتونگ^۶، کشور یا سازمان تحریم کننده دو هدف خاص را توأمان یا به‌تنهایی دنبال می‌کند: ۱- مجازات کشور هدف از طریق محروم‌سازی و ۲- اجبار کشور هدف به پیروی از اصول و هنجارهای خاص و موردنظر تحریم کننده (Tsebelis, 1990:5).

برخی از تحلیل‌گران ایرانی برخلاف هم‌تایان امریکایی خود اعتقاد دارند که تحریم‌های هسته‌ای ایالات متحده علیه جمهوری اسلامی ایران نه تنها موفق نبوده

1. Kaempfer & Lowenberg

2. James Lindsay

3. Kim Richard Nossal

4. David Leyton-Brown

5. Margaret Doxey

۴۷ 6. Galtung



بلکه بر مقاومت و بی‌اعتمادی جمهوری اسلامی نسبت به ایالات متحده و رشد سریع‌تر فعالیت‌های هسته‌ای این کشور افزود (موسویان، ۱۳۹۴: ۴۴۴-۴۴۵). از نظر تبلیس، پروفیسور علوم سیاسی دانشگاه میشیگان نیز اگرچه تاریخ تحریم‌های اقتصادی به قرن‌های دور، یعنی حدود ۴۳۲ قبل از میلاد مسیح برمی‌گردد و اکنون نیز توسط بازیگران مختلف از اعضای جامعه ملل تا اوپک و کشورهای مختلف نظیر شوروی سابق، امریکا و بریتانیا اعمال می‌شده است، اما لزوماً موفق نبوده است. هافباور^۱ و اسکات^۲ در مطالعات میدانی خود نشان دادند که از ۸۳ مورد تحریم‌های اقتصادی اعمالی از سال ۱۹۱۴ از سوی کشورهای مختلف، به‌ویژه ایالات متحده، تنها ۴۰٪ به نتیجه رسیدند. با این حال به دلایل مختلف از جمله تحت‌تأثیر قرار دادن سایر کشورها تحریم‌ها اعمال می‌شوند. اما استمرار در اعمال تحریم‌ها به معنای موثر بودن حتمی تحریم‌ها نیست (Tsebelis, 1990:3-4).

تداوم تحریم‌های ایالات متحده علیه جمهوری اسلامی زمانی به‌عنوان دغدغه این کشور تلقی شد که ایالات متحده توانست اعضای شورای امنیت را به پیروی از اصول تحریم وادار و حمایت دیگر نهادهای بین‌المللی را جلب نماید. عدم حضور جمهوری اسلامی در بازارهای جهانی و نهادهای مالی و اقتصادی بین‌المللی و وابستگی اقتصادی یک‌جانبه کشور به شرکای تجاری، عامل تسهیل‌کننده در چندلایه شدن تحریم‌های بین‌المللی و سرعت گسترش آن به سایر بخش‌ها و نهادهای اقتصادی بود؛ به‌نحوی که طی ۱۰ سال اخیر با گسترش دامنه تحریم‌ها، جنبه متوالی و تکراری آن حوزه‌های مختلف کشور از بخش‌های مالی، بانکی و بیمه گرفته تا نفت، گاز و پتروشیمی، کشتیرانی، کشتی‌سازی و حمل‌ونقل، طلا، انواع فلزات گران‌بها، اسکناس و سکه، انواع کالا و فن‌آوری، سرمایه‌گذاری، آموزش‌های تخصصی، فلزات، نرم‌افزار و تسلیحات را در بر گرفت و به یک بازی متوالی فرسایشی تبدیل شد.

تحریم‌های بین‌المللی تا پیش از سال ۲۰۰۶ به صورت یک‌جانبه از سوی

1. Hufbauer

2. Schott

ایالات متحده آمریکا علیه جمهوری اسلامی اعمال می‌شد و تأثیری در رفتار شرکای تجاری جمهوری اسلامی که به‌طور عمده از میان کشورهای توسعه‌یافته اروپایی تشکیل می‌شد، نداشت (رجوع شود به نمودارهای صادرات و واردات). از نیمه سال ۲۰۰۶، تحریم‌های موسسات بین‌المللی و نهادهای مالی نظیر سازمان سوئیفت بر جنبه فراگیری و درهم‌تنیدگی تحریم‌ها و در نتیجه شدت اثرگذاری آن بر اقتصاد جمهوری اسلامی ایران افزود. در مذاکرات بین‌المللی برجام، صرف‌نظر از تحریم‌ها یا محدودیت‌های تجاری یک‌جانبه کشورهای عضو (دائم و غیردائم) شورای امنیت نظیر ژاپن، روسیه، پاکستان و... سه گروه تحریم‌های خاص علیه جمهوری اسلامی مدنظر قرار گرفت که عبارتند از: قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل؛^۱ تحریم‌های ثانویه^(۲) ایالات متحده آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران شامل فرمان‌های اجرایی روسای جمهور ایالات متحده و قطعنامه‌های سازمان خزانهداری آمریکا؛^۲ تحریم‌های اتحادیه اروپایی.

نظریه بازی‌ها. بسیاری اعمال تحریم‌ها را سیاستی مبتنی بر نظریه بازی‌ها^۳ می‌دانند که در نتیجه انتظار رفتار و واکنش عقلانی از بازیگران دولتی نظام بین‌الملل اتخاذ می‌شود و محاسبه هزینه و فایده و دستاوردهای یک‌جانبه، استراتژی بازیگران را تعیین می‌کند. به این معنی که کشور تحریم‌کننده با پیش‌بینی عدم تطبیق رفتارهای کشور هدف با سیاست‌ها و وضعیت امنیتی ملت خود، به تحریم کشور هدف روی می‌آورد. به‌طور معمول، اگر هزینه‌های اعمال تحریم برای کشور تحریم‌کننده نسبت به تهدیدهای امنیتی پایین باشد و برعکس برای کشور هدف نسبت به هزینه‌های تطبیق با سیاست‌های کشور تحریم‌کننده بالا باشد، احتمال موفقیت تحریم‌ها بیشتر است (Kaempfer & Lowenberg, 2007: 891-892).

تجربه تاریخی نشان می‌دهد که اغلب تحریم‌های اقتصادی بازی‌های متوالی بوده‌اند و کنش یک بازیگر، واکنش بازیگر دوم و واکنش بازیگر دوم به واکنش



1. United Nations Security Council (UNSC)

2. Office of Foreign Assets Control (OFAC)

بازیگر اول منتج می‌شود و این زنجیره کنش و واکنش استراتژیک تا زمانی که این چرخه فرسایشی منجر به تسلیم یکی از طرفین شود ادامه می‌یابد. در بازی‌های متوالی نظیر بازی تحریم، طرفین نسبت به رفتار یکدیگر آگاهی دارند. به‌عنوان مثال کشور هدف به‌خوبی می‌داند که اقدام آتی وی می‌تواند به تحریم بعدی منجر شود؛ با این حال در جهت افزایش عایدی یا منفعت یک‌جانبه خود گام بعدی را برمی‌دارد.

تحریم‌های ایالات متحده آمریکا را می‌توان در چهارچوب بازی تحریم تکراری^۱ تعریف کرد که براساس آن کشور تحریم‌کننده به‌منظور تغییر رفتار سیاسی کشور هدف، با در پیش گرفتن سیاست تحریم، یا کشور هدف را وادار به تسلیم یا تغییر رفتار می‌کند یا کشور هدف در برابر خواسته کشور تحریم‌کننده مقاومت می‌کند. بنابراین تحریم‌کننده در مقابل بازی جدیدی قرار می‌گیرد که می‌بایست با توجه به تخمین عایدی خود از ادامه تحریم‌ها تصمیم بگیرد که این بازی را ادامه دهد یا از خواسته خود انصراف دهد. به همین ترتیب کشور هدف نیز می‌بایست میان تسلیم یا مقاومت یکی را انتخاب کند و این چرخه تا زمانی که یکی از طرفین تصمیم به پایان بازی نگیرد ادامه می‌یابد (Lacy & Niou, 2004: 28-36).

۲. تحریم‌های بین‌المللی و اقتصاد جمهوری اسلامی ایران

همواره بخش غیرانسانی و اخلاقی تحریم مورد توجه بوده و اجماع عمومی بر این است که اگرچه تحریم به‌عنوان سیاست جایگزین جنگ اعمال می‌شود، اما فاقد محوریت اخلاقی است و در بسیاری موارد زندگی و بقای افراد غیرنظامی را تهدید می‌کند. تحریم‌های همه‌جانبه می‌تواند به لحاظ اخلاقی مشکل‌آفرین باشد و نظارت مستمر بر نحوه اثرگذاری تحریم‌ها به‌خصوص تاثیرات انسانی آن برای ارزیابی مشروعیت اخلاقی تحریم‌های اقتصادی لازم است (کاناندا، ۱۳۷۶: ۱۵۷-۱۶۴). تحریم‌های ایالات متحده و اتحادیه اروپایی علیه جمهوری اسلامی در بخش واردات دارو و مواد غذایی، غیرانسانی‌ترین جنبه‌های تحریم‌های بین‌المللی

1. The Repeated Sanction Game

را دربرداشت. مقاله اثربخشی تحریم‌های اتحادیه اروپایی میزان افزایش قیمت مواد اساسی و غذایی نظیر شیر، سبزی و غیره را در ادامه تحریم‌های اتحادیه اروپایی علیه ایران، در فاصله سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۲، به میزان ۴۷٪ تخمین زده است (Giumelli & Ivan, 2013: 15).

تحریم‌های مالی و بانکی ایالات متحده آمریکا و متحدین غربی آن منحصر به آسیب‌های اقتصادی و مالی نبود. محدودیت‌های بانکی، تحریم شرکت‌های حمل‌ونقل هوایی و دریایی و... آسیب‌های بسیاری را بر جامعه انسانی و غیرنظامی ایران وارد و مشکلات غیرقابل جبرانی را در بخش سلامت و درمان، تأمین دارو و تجهیزات پزشکی برای بیماران ایجاد نمود به نحوی که دارو و تجهیزات پزشکی و درمانی با صرف زمان و هزینه بسیار سنگین به جای واردات از کشورهای تولیدکننده اصلی از کشورها و شرکت‌های واسطه یا تولیدکننده دست‌دوم و سوم خریداری و وارد کشور شد. حتی پس از توافق مقدماتی برنامه اقدام مشترک^۱ در نوامبر سال ۲۰۱۳، که تعاملات بانک‌های اروپایی با بانک‌های جمهوری اسلامی در محدوده واردات کالاهای بشردوستانه شامل مواد غذایی و دارو و کشاورزی مجاز اعلام شد،^(۳) به دلیل شرایط محدودکننده ایالات متحده، بسیاری از بانک‌های اروپایی کماکان از تعامل و همکاری با بانک‌های ایرانی حتی در چهارچوب توافق فوق‌پرهیز می‌کردند.

با توجه به سابقه دیرینه تحریم‌های ایالات متحده علیه جمهوری اسلامی، از سه دهه پیش تاکنون مراودات رسمی تجاری میان دو کشور وجود نداشته و جمهوری اسلامی تجربه تحریم‌های ایالات متحده در بخش واردات نفت و هر نوع کالای صادراتی از جمهوری اسلامی ایران، بلوکه شدن دارایی‌های دولت و اشخاص حقوقی، منع اعطای وام و تسهیلات بین‌المللی، منع معاملات تسلیحاتی، منع سرمایه‌گذاری خارجی در صنعت نفت کشور و به‌طورکلی تحریم هرگونه مراودات تجاری و اقتصادی با ایالات متحده را داشته است. اما پس از تنگ‌تر شدن حلقه تحریم‌ها بر نهادهای اقتصادی جمهوری اسلامی به‌ویژه بانک‌ها و

مؤسسات مالی، اقتصاد کشور با آسیب‌های جدی مواجه شد که به جنبه فرسایشی بازی متوالی تحریم علیه جمهوری اسلامی کمک کرد. مهم‌ترین آسیب‌های اقتصادی کشور در طول تحریم‌ها عبارتند از: (۱) مسدود یا غیرقابل استفاده شدن منابع مالی بانک‌های ایرانی، از جمله بانک مرکزی، در خارج از کشور؛ (۲) افزایش ریسک کشوری و نظام مالی و کاهش اعتبار مؤسسات مالی و در نتیجه کاهش اعتماد بین‌المللی به سیستم مالی و بانکی جمهوری اسلامی ایران؛ (۳) افزایش هزینه‌های صادرات و واردات و تامین مالی؛ (۴) کاهش سودآوری شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس؛ (۵) محدودیت صدور ویزا برای تجار ایرانی و در نتیجه کاهش حضور برون‌مرزی جمهوری اسلامی؛ (۶) افزایش قیمت کالاهای سرمایه‌ای (وصالی و ترابی، ۱۳۸۹: ۳۸ و ۴۰-۴۳)؛ (۷) کاهش قابل توجه جذب سرمایه‌گذاری خارجی؛ (۸) کاهش سرعت عملیات ارزی، افزایش تعداد بانک‌های واسطه و هزینه‌های مربوطه؛ (۹) محدودیت تراکنش‌ها و خدمات بانکی به کالاهای اساسی و بشردوستانه (نظیر مواد غذایی و دارویی) پس از کسب مجوز از مقامات ناظر کشورهای طرف معامله؛ (۱۰) کوچک شدن سبد ارزی بانک‌ها با خروج ارزهای جهان روا (دلار، یورو و پوند) و در معرض خطر قرارگرفتن سبد ارزی کشور با ورود ارزهای محلی (نظیر یوآن چین، ون کره و روپیه هند)؛ (۱۱) کاهش دریافت وام از مؤسسات مالی بین‌المللی نظیر صندوق بین‌المللی پول؛ (۱۲) کاهش حضور برون‌مرزی فعالان اقتصادی ایرانی در قالب تاسیس شعبه/ دفتر نمایندگی یا خرید سهام؛ (۱۳) اختلال در عملکرد بین‌المللی بانک‌های کشور و روی آوردن مشتریان به کانال‌های غیربانکی نظیر صرافی‌ها؛ (۱۴) بروز مشکلات اقتصادی و مالی متعدد از جمله نرخ کارمزد بالا، تقلب، تخلفات و فساد مالی و رشد فزاینده اختلاس‌های مالی و پولشویی و...؛ (۱۵) محدودیت در دریافت خدمات متداول بانکداری بین‌الملل و در نتیجه انتقال ریسک تجارت بر طرف ایرانی؛ (۱۶) کاهش تعاملات بین‌المللی به سطح حداکثر ۵ الی ۷ کشور، در قالب قراردادهای فروش نفت، به صورت مشروط و اعمال محدودیت‌های خاص؛ (۱۷) تحریم سازمان‌های



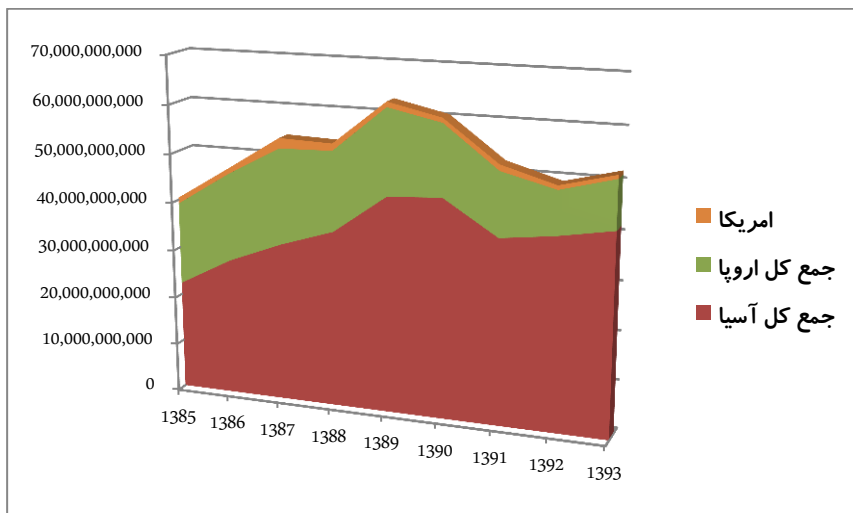
بین‌المللی مخابراتی، معاملاتی و خبری بانکی نظیر انجمن جهانی سوئیفت^۱ و روترز^۲؛ ۱۸) کاهش ارتباط نظام بانکی و موسسات اقتصادی و مالی جمهوری اسلامی با نظام بانکی، بازارها و نهادهای بین‌المللی که به انزوای اقتصادی کشور و کاهش دسترسی به ابزار نوین بانکی و دورماندن از استانداردهای به‌روز بین‌المللی، مانند واحد تطبیق^۳ یا ارائه صورت‌های مالی براساس استانداردهای بال ۲ و ۳ طی ۱۰ سال گذشته انجامید و بازگشت فعالان اقتصادی در شرایط پسابرجام را با موانعی نظیر ضرورت انطباق با دستورالعمل‌های گروه ویژه اقدام مالی^۴ و اطمینان از شفافیت مالی سیستم‌های مالی و در نتیجه کاهش سرعت توسعه اقتصادی کشور روبرو می‌سازد؛ و ۱۹) رواج واردات کالا به روش صادرات با واسطه^۵ که علاوه بر افزایش هزینه‌ها، دور زدن تحریم‌ها و بروز مشکلاتی نظیر سوءاستفاده‌های اقتصادی و اعمال کنترل‌های مبارزه با پولشویی را دچار اختلال نمود.

به‌طورکلی، اعمال تحریم‌های چندجانبه از سوی نهادهای امریکایی و اروپایی به تدریج کلیه بخش‌های مالی، اقتصادی، آموزش و فن‌آوری را از موسسات مالی، بانکی و بیمه تا نفت، گاز و پتروشیمی، کشتیرانی، کشتی‌سازی و حمل‌ونقل، طلا و فلزات گران‌بها، اسکناس و سکه، سرمایه‌گذاری، آموزش‌های تخصصی، نرم‌افزار و تسلیحات را در بر گرفت و به زیرساخت‌های کشور آسیب جدی وارد کرد. در نمودارهای زیر روند تجاری ایران طی سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۴ نمایش داده شده است.

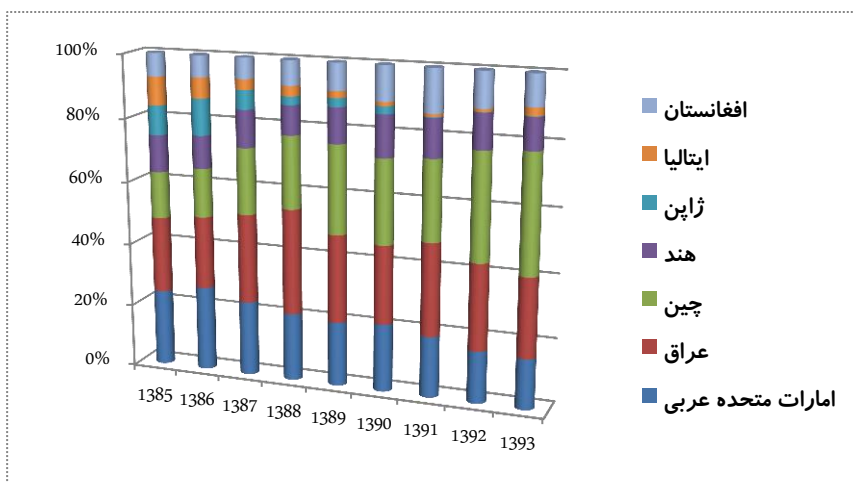


1. Society for Worldwide Interbank Financial Telecommunication (SWIFT)
2. Thomson Reuters
3. Compliance
4. Financial Act Task Force (FATF)
5. Re-export

نمودار ۱. مقایسه‌ای حجم واردات ج.ا. ایران از سه قاره آسیا، اروپا و آمریکا (۱۳۸۵-۱۳۹۳) (ارقام به دلار)



نمودار ۲- مقایسه‌ای حجم صادرات ج.ا. ایران (به درصد) به ۷ کشوری که بیشترین سهم از صادرات این کشور را به خود اختصاص دادند (۱۳۸۵-۱۳۹۳)^(۴)



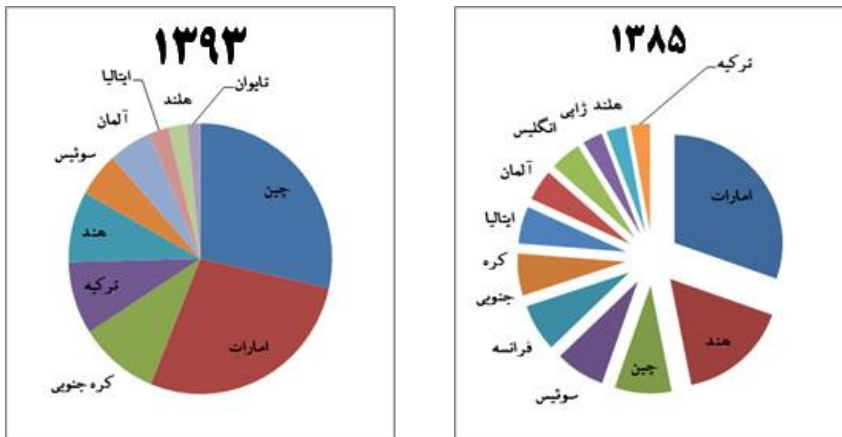
بر اساس آمار دو نمودار فوق و نمودارهای زیر، به تدریج از حجم معاملات تجاری ج.ا. ایران با کشورهای توسعه یافته (مگر در قالب تعاملات اندک نفتی) کاسته شده و روابط تجاری این کشور به طور قابل توجهی به سمت شرق و کشورهای آسیایی سوق یافته است. در نتیجه چندلایه شدن و گسترش تحریم‌های

فصلنامه روابط خارجی ♦ سال هشتم ♦ شماره چهارم ♦ زمستان ۱۳۹۵



بین‌المللی طی دهه‌های اخیر، شرکای تجاری جمهوری اسلامی از آلمان و سایر کشورهای اروپایی صنعتی توسعه‌یافته و تولیدکننده اصلی به سمت کشورهای واسطه و یا تولیدکننده دست‌دوم و سوم تغییر یافت و از طرف دیگر ریسک وابستگی ایران به سه تا پنج کشور اصلی صادرکننده آسیایی نظیر چین و ژاپن افزایش یافت. به عبارتی، با افزایش تحریم‌های اقتصادی و افزایش تنش‌های سیاسی میان جمهوری اسلامی و قدرت‌های غربی، فاصله تعاملات تجاری و اقتصادی جمهوری اسلامی ایران با جهان توسعه‌یافته بیشتر و بیشتر شد و فروش نفت تنها حلقه ارتباطی کشور با جهان توسعه‌یافته را در سه دهه اخیر تشکیل می‌داد (شریعتی‌نیا و عابدین‌مقانکی، ۱۳۹۳: ۲۷).

نمودار ۳- کشورهای طرف واردات ج.ا. ایران در دو سال ۸۵ و ۹۳



ایجاز تحریر و سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران



توافق برجام و اجرایی شدن آن در ۱۶ ژانویه ۲۰۱۶، فضای تنفسی را در سلسله تحریم‌های فرسایشی ایالات متحده و نهادهای بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی به وجود آورده است که تضمینی برای پایداری آن وجود ندارد. تاکید طرف امریکایی بر حفظ ساختار شبکه‌ای و تار عنکبوتی تحریم‌ها، پابرجایی تحریم‌های اولیه و منع روابط تجاری میان طرف امریکایی با ایران، بازگشت‌پذیری تحریم‌ها از یک سو و تصویب تحریم‌های جدید -نظیر ملاحظات صدور روادید برای متقاضیانی که در سه سال منتهی به درخواست ویزا، سابقه سفر به ایران را داشته‌اند، یا تحریم‌های یک‌جانبه برخی ایالت‌های امریکا نظیر کانزاس، در

خصوص بلوکه کردن دارایی اشخاصی که با جمهوری اسلامی ایران مراودات تجاری دارند- مبین استمرار تحریم در سیاست خارجی ایالات متحده امریکاست. علاوه بر اختلافات تاریخی و ایدئولوژیک میان دو کشور، عملکرد موفق تحریم در تامین منافع ملی ایالات متحده در کشورهای مختلف، از جمله جمهوری اسلامی، نگرش و ارزیابی نخبگان سیاسی امریکا در استمرار تحریم علیه جمهوری اسلامی نیز نقش کلیدی ایفا می‌کند. از این رو، در ادامه ذهنیت سیاست‌مداران امریکا در رابطه با جمهوری اسلامی ایران مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۳. تحریم و نخبگان سیاست خارجی امریکا

جایگاه نخبگان سیاسی تاثیرگذار در هر کشور، با توجه به ساختار و نظام سیاسی آن مشخص می‌شود. در ایالات متحده، احزاب چندان فعال نیستند و ارکان سیاسی کشور بیشتر بر پایه نخبه‌گرایی است که با وجود گرایش‌های مختلف سیاسی و اقتصادی، به‌طور کلی به دو گروه جمهوری‌خواه و دموکرات تقسیم می‌شوند. رئیس‌جمهور، نمایندگان مجلس و سناتورها هر یک دارای اختیارات و محدودیت‌هایی در تصمیم‌گیری‌های سیاسی هستند و برآیند آرا و تعاملات میان نهادهای مختلف از جمله وزارت امور خارجه، وزارت دفاع، سازمان مرکزی اطلاعات امریکا، شورای عالی امنیت ملی و گروه‌های مهم موضع‌گیری سیاسی کشور را تعیین می‌کند (ر.ک. خسروشاهین، ۱۳۸۵).

نخبگان سیاسی ایالات متحده در حوزه‌های مختلفی از قبیل هنجارسازی، فرهنگ‌سازی، سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری فعالیت می‌کنند و اتاق‌های فکر جداگانه‌ای را تشکیل می‌دهند که به لابی‌های مختلف یهودی، عرب و... وابسته است. این لابی‌ها دانش و اطلاعات اتاق‌های فکر و در نتیجه مواضع و سیاست‌های ایالات متحده را شکل می‌دهند. ساختار فکری و موضع‌گیری نهادهایی نظیر شورای روابط خارجی ایالات متحده و جهت‌گیری تعدیل‌گرایی برخی اعضای آن نظیر ریچارد هاس،^۱ رئیس شورای روابط خارجی،^۲ نسبت به جمهوری اسلامی و

1. Richard N. Haass

2. Council on Foreign Relations

گرایش به تقویت قدرت نرم ایالات متحده به جای مواضع خصمانه در مقابل لابی اسرائیلی آبیگ و الگوی جانانان مارکوس^۱ برای تشویق عملیات تاکتیکی اسرائیل و ایالات متحده علیه جمهوری اسلامی در نهایت دو نوع ادبیات ضدایرانی و تعدیلی را در میان نخبگان امریکایی رواج داده است (ر.ک. پوستین چلی و متقی، ۱۳۹۳).

فلینت و هیلاری لورت، بر این باورند که با وجود تفاوت‌های نگرشی در رفتار سیاسی باراک اوباما، او نیز همچون روسای پیشین بر حفظ تفوق ایالات متحده امریکا تأکید دارد. به علاوه، تلاش مصمم نخبگان سیاسی جمهوری اسلامی برای حفظ استقلال سیاست خارجی این کشور، تعامل و عادی‌سازی روابط با جمهوری اسلامی را برای اوباما مشکل می‌کند. از این رو اوباما با هدف مهار جمهوری اسلامی، با صلح‌آمیزترین و کم‌هزینه‌ترین روش ممکن، به توافق هسته‌ای روی آورد که به اعتقاد وی به مدت ۱۰ الی ۱۵ سال جمهوری اسلامی را به صورت مهارشده نگه می‌دارد (ر.ک. لورت و لورت، ۱۳۹۴).

ایالات متحده در ارتباط با جمهوری اسلامی از چهار الگوی تعامل راهبردی، مجازات بدون تعامل، تعامل ستیزه‌جویانه و تغییر بنیادین پیروی می‌کند که البته تنها پنج درصد نخبگان سیاست خارجی موافق الگوی چهارم هستند و اکثریت با تعامل ستیزه‌جویانه (۴۶٪) و ۳۱٪ با تعامل راهبردی موافق بوده‌اند (ایزدی، ۱۳۹۰: ۱۲۲-۱۳۶). جان بولتون^۲ و برمن^۳ از طرفداران سیاست مجازات بدون تعامل، انجام اقدامات سیاسی پیشگیرانه علیه ایران و حمایت جدی از گروه‌های مخالف سیاسی داخل جمهوری اسلامی ایران هستند. توماس فریدمن^۴ مایکل مک فاول^۵ و... موافق سیاست تعامل ستیزه‌جویانه، اعمال تحریم‌ها و فشارهای بیشتر مالی و اقتصادی علیه جمهوری اسلامی و در صورت ادامه حمایت جمهوری اسلامی از

1. Jonathan Marcus

2. John R. Bolton

3. Ilan I. Berman

4. Thomas L. Friedman

۵۷ 5. Michael McFaul

حماس و حزب الله، موافق گزینه نظامی هستند (ایزدی، ۱۳۹۰: ۱۵۳، ۱۶۵-۱۶۶). برخی معتقدند که ادراک نخبگان سیاسی ایالات متحده در مواجهه با جمهوری اسلامی از دو نحله فکری مقابله‌گرا و تعادل‌گرا سرچشمه می‌گیرد. رویکردهای مقابله‌گرا مانند جان بولتون یا مایکل لدین،^۱ با ذهنیت ضدایرانی، جمهوری اسلامی را تهدیدی امنیتی و در ردیف کره شمالی، در جستجوی سلاح هسته‌ای و همچنین مرکز تروریسم نوین،^۲ می‌دانند و به دنبال کاهش قدرت راهبردی و تغییر نظام جمهوری اسلامی هستند. گروه دیگری از چهره‌های شاخص سیاسی امریکا نظیر استفان والت^۳ و کنت پولاک^۴ موافق سیاست‌های اعتدال‌گرایی و همکاری‌جو با جمهوری اسلامی هستند و ترویج ادبیات ضدایرانی را در درازمدت به نفع امنیت ایالات متحده در خاورمیانه نمی‌بینند (پوستین‌چی و متقی، ۱۳۹۳: ۱۲۲-۱۲۳، ۱۲۸-۱۲۹).

در مجموع، نخبگان سیاسی و نهادهای تصمیم‌ساز در سیاست خارجی ایالات متحده امریکا، به‌ویژه مجلس نمایندگان و سنا، به روش‌های متفاوت از لابی‌ها و بنیادهای مختلف تاثیرپذیری دارند. جمهوری‌خواهان، با گرایش‌های ضدایرانی موافق اتخاذ استراتژی‌های اسرائیلی، ائتلاف و حمله تهاجمی نظامی علیه جمهوری اسلامی هستند و توافق هسته‌ای با ج.ا. ایران را به‌عنوان باج‌دهی به محور شرارت قلمداد می‌کنند. این گروه، جایگاهی برای مذاکره با دشمن قائل نیستند. جمهوری اسلامی را یک کشور یاغی، حامی تروریسم و عامل بی‌ثباتی و اختلال در عراق تصور و توافق با جمهوری اسلامی ایران را منافی امنیت و قدرت امریکا قلمداد می‌کنند (سجادپور و اجتهادی، ۱۳۸۹: ۴۳). این طرز نگرش نه‌تنها در میان جمهوری‌خواهان بلکه در زیربنای رفتار و نگرش‌های استراتژیک برخی نمایندگان دموکرات نیز به چشم می‌خورد. جاکوب جک لیو،^۵ وزیر خزانه‌داری

1. Michael Ledeen
2. The Mother of Modern Terrorism
3. Stephen Walt
4. Keneth Pollack
5. Jacob J. Lew

دولت اوپاما، دیوید کوهن،^۱ معاون امور تروریسم و اطلاعات مالی،^۲ گری آکرمن^۳ و باب مندز،^۴ نماینده مجلس و بسیاری دیگر چهره‌های شاخص دموکرات دستگاه دولتی ایالات متحده را تشکیل می‌دهند که به شدت موافق اعمال تحریم‌های بیشتر، توقف برنامه هسته‌ای و کاهش تهدید جمهوری اسلامی و اتخاذ مواضع ضدسپاه، حزب‌الله و حضور کشور در سوریه و... هستند.

۴. استمرار تحریم در دوران پسابرجام

با نزدیک شدن به انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده و در فاصله زمانی نسبتاً دورتری انتخابات ریاست جمهوری ایران، دو کشور، به‌ویژه جمهوری اسلامی، با تغییرات قابل توجهی در محیط سیاست خارجی خود مواجه هستند. با وجود برجام، لغو تحریم‌های هسته‌ای و نقش قابل توجه این توافق در تدوین سیاست خارجی مواضع ایالات متحده در مقابل جمهوری اسلامی بر این باوریم که صرف نظر از اینکه جمهوری خواهان یا دموکرات‌ها قدرت را در دست بگیرند، تحریم همچنان هسته مرکزی سیاست خارجی این کشور را تشکیل می‌دهد و جمهوری اسلامی در تبیین سیاست خارجی خود با چالش نفوذ و حفظ ساختار تحریم‌های ایالات متحده در نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی روبرو خواهد بود. اگرچه تفاوت‌هایی در نحوه تدوین و اجرای سیاست‌های دولت جمهوری خواه و دموکرات وجود خواهد داشت.

از نظر این مقاله، در شرایط پسابرجام رویکرد ایالات متحده آمریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران تغییر قابل توجهی نکرده و دو کشور هنوز نتوانسته‌اند در جهت اعتمادسازی گام موثری بردارند. آزادسازی زندانیان سیاسی در اقدامی دوجانبه در آستانه اجرایی شدن برجام و تاکید بر پیگیری روند برد-برد در این توافق، تاکید طرف امریکایی بر ضرورت اعتمادسازی از سوی ایران و رفع

1. David S. Cohen

2. Under Secretary of The Treasury for Terrorism and Financial Intelligence

3. Gary Ackerman

4. Bob Menendez

موضوعات حقوق بشری، اعمال تحریم‌های جدید (محدودیت‌های صدور ویزا برای اتباع اروپایی)، پیگیری گزارش‌ها و مسائل حقوق بشری، ورود تفنگداران امریکایی به مرزهای آبی ایران و واکنش نیروی دریایی و سپس ملت ایران در تظاهرات ۲۲ بهمن و تداوم مانورهای هوایی بالگردهای ایرانی بر فراز کشتی‌های امریکایی، مطالبه خسارت برای خانواده گروگان‌های ۱۳۵۸ (که با وجود گذشت بیش از ۳۰ سال هنوز موضوعیت خود را در روابط دو کشور حفظ نموده است)، تقاضای حضور در جریان انتخابات مجلس ایران از سوی برخی نمایندگان امریکا، ادعاهای بی‌اساس اخیر در خصوص حادثه ۱۱ سپتامبر و مطالبه خسارت از جمهوری اسلامی، حکم دیوان عالی امریکا علیه ایران مبنی بر مصادره دو میلیارد دلار دارایی بلوکه‌شده کشور، حفظ نام جمهوری اسلامی در لیست هشدار گروه ویژه اقدام مالی^۱، تلاش نمایندگان امریکا برای تصویب لایحه علیه پرداخت مطالبات مالی ایران و از سوی دیگر تاکید مقامات جمهوری اسلامی ایران بر پیگیری جدی برنامه موشکی کشور در پاسخ به تهدیدهای کنگره امریکا، عدم تغییر مواضع سیاسی جمهوری اسلامی ایران در سوریه، لبنان، عراق و... همه نشانه‌هایی از تلاش دو طرف برای آزمون ظرفیت سیاسی یکدیگر و ارزیابی شرایط همکاری در دوره پسابرجام و بیانگر پابرجایی مبانی اختلاف میان دو کشور است.

از یک سو بی‌اعتمادی دو کشور نسبت به یکدیگر و از سوی دیگر چالش‌های پسابرجام، محیط سیاست‌گذاری نخبگان ایالات متحده را با نقاط تاریک و ابهاماتی مواجه می‌سازد که تداوم سیاست تحریم را به نفع منافع ملی خود تشخیص می‌دهند. برخی از مهم‌ترین چالش‌ها عبارتند از: (۱) حصول اطمینان از اجرای صحیح تعهدات هسته‌ای جمهوری اسلامی در برجام و نگرانی از عدم همراهی نهادهای بین‌المللی در صورت بازگشت تحریم‌ها؛ (۲) افزایش قدرت موشکی جمهوری اسلامی و ضرورت افزایش حمایت ایالات متحده امریکا از امنیت اسرائیل در منطقه؛ (۳) پاسخ‌گویی به نگرانی کشورهای حاشیه خلیج فارس

متحدهای ایالات متحده) در خصوص افزایش توان موشکی، دریایی و هوایی ج.ا. ایران؛ ۴) افزایش نفوذ جمهوری اسلامی ایران در چهار کشور کلیدی منطقه خاورمیانه؛ لبنان، سوریه، عراق و یمن و گسترش روابط با شیعیان کشورهای عربی خلیج فارس (Cordesman, 2016؛ ۵) تلاش مجدد جمهوری اسلامی برای گسترش روابط با کشورهای امریکای لاتین نظیر ونزوئلا و آرژانتین و نقاطی نظیر پاراگوئه، که از سوابق پولشویی و قاچاق مواد مخدر و تحرکات تروریستی برخوردارند، یا اقدام به گسترش نفوذ در کشورهای افریقایی - اسلامی؛ ۶) گسترش همکاری‌های مستقل جمهوری اسلامی با پاکستان و هند و تکمیل پروژه‌های مهم نظیر گسترش بندر چابهار که به دلیل تحریم‌ها ناتمام رها شده بود؛ ۷) افزایش سطح دسترسی قانونی یا غیرقانونی جمهوری اسلامی ایران به تکنولوژی‌های راکت و موشک؛ ۸) امکان ایجاد ائتلاف‌های منطقه‌ای و گسترش جنگ‌های نیابتی در منطقه (نظیر پرتاب راکت جمهوری اسلامی در اطراف هواپیماهای ایالات متحده یا مانور هوایی بر فراز کشتی‌های ایالات متحده در اواخر ماه ژانویه)؛ و ۹) افزایش تمایل ترکیه، عربستان سعودی و مصر برای توانمندسازی هسته‌ای و در نتیجه به هم خوردن توازن منطقه و شکل‌گیری یک خاورمیانه چندقطبی هسته‌ای (Katzman, 2016: 34-35).

جمهوری اسلامی و ایالات متحده امریکا، مانند دو رقیب امنیتی و نظامی عمل می‌کنند. ایالات متحده برای کنترل و مهار قدرت جمهوری اسلامی و ج.ا. ایران برای کاهش نفوذ و حضور ایالات متحده در خاورمیانه تلاش می‌کند. در شرایط پسابرجام با لغو تحریم‌های بین‌المللی مالی و بانکی، امکان دسترسی به بخش قابل توجهی از منابع بلوکه شده، خروج از فضای بسته و غیرتعاملی و حضور همه‌جانبه در عرصه بین‌الملل و تبدیل به بازیگری فعال و دارای نفوذ منطقه‌ای و بین‌المللی برای کشور فراهم شده است. همین امر موضع‌گیری قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی و در نتیجه ضرورت مهار قدرت جمهوری اسلامی ایران را ایجاد کرده است و صرف‌نظر از حزب منتخب ایالات متحده در دوره جدید، احتمال تداوم سیاست مهار قدرت جمهوری اسلامی ایران از طریق

اعمال تحریم‌ها وجود دارد. همان‌طور که باراک اوباما نیز با وجود شعار انتخاباتی تغییر سیاست خارجی صدور قطعنامه‌های تحریم علیه جمهوری اسلامی را ادامه داد و آسیب‌های جدی به بدنه اقتصادی و روابط بین‌الملل این کشور وارد نمود (سیمبر، ۱۳۸۹).

نتیجه‌گیری

موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک، جمعیت و قدمت فرهنگی و تمدنی ایران، به‌ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی سبب شده است که جمهوری اسلامی و سیاست خارجی آن، همواره مورد توجه دولت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، به‌ویژه دولت‌های غربی باشد. همزمان با انقلاب اسلامی (۱۹۷۹)، تحریم‌های یک‌جانبه ایالات متحده علیه جمهوری اسلامی آغاز شد و در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ با هدف کاهش نقش استراتژیک جمهوری اسلامی و در قالب مبارزه با حمایت جمهوری اسلامی از تروریسم در منطقه ادامه یافت. از سال ۲۰۰۶ به بعد تحریم‌ها تحت عنوان مبارزه با برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی و با پشتیبانی سایر کشورها و نهادهای بین‌المللی و در نهایت جامعه بین‌المللی در سال ۲۰۱۰ همراه و به‌صورت گسترده نظام مالی، بانکی و اقتصادی کشور را درگیر کرد. توافق برجام و لغو تحریم‌های هسته‌ای، فضای تنفسی را در محیط بین‌الملل جمهوری اسلامی و توقع حذف نظریه‌های تحریم از رفتار سیاست خارجی ایالات متحده را فراهم آورد.

همان‌طور که همواره تأکید می‌شود، در توافق برجام تنها لغو تحریم‌های هسته‌ای مدنظر بوده و با وجود فرصت‌های قابل‌توجه برجام برای کشور، این توافق به معنای کم‌اثر شدن یا محو نظریه‌های تحریم از عرصه سیاست خارجی ایالات متحده نیست و به دلایل زیر دولت جمهوری اسلامی شاهد استمرار سیاست تحریم به‌عنوان کارآمدترین ابزار در عرصه سیاست خارجی ایالات متحده در دوران پسابرجام خواهد بود: (۱) اهمیت خاورمیانه، به‌عنوان غنی‌ترین منطقه انرژی جهان، موقعیت ژئوپلیتیک جمهوری اسلامی، شرایط استراتژیک تنگه هرمز، به‌عنوان گلوگاه انرژی منطقه و تضمین جریان انرژی منطقه به سمت دنیای صنعتی

غرب (سیمبر، ۱۳۸۹: ۱۲۴)؛ ۲) باور نخبگان سیاسی امریکا (جمهوری خواه یا دموکرات) به کارآمدی سیاست تحریم در تامین منافع کشور و عامل بازدارنده جمهوری اسلامی از تسلط بر منطقه؛ افزایش قدرت ج.ا. ایران، به معنای تضعیف قدرت متحدان منطقه‌ای ایالات متحده نظیر اسرائیل و در نتیجه تهدید منافع و حضور ایالات متحده در خاورمیانه خواهد بود؛ ۳) مخالفت افکار عمومی داخل ایالات متحده با جنگ یا مداخله نظامی در سایر کشورها به دلیل هزینه‌های بالای انسانی و مالی آن. ایالات متحده تلاش خواهد کرد تا از طریق تداوم سیاست تحریم و حفظ وابستگی کشورهای منطقه و قدرت‌های بین‌المللی، مهار و کنترل قدرت دولت جمهوری اسلامی در منطقه را کماکان پیگیری نماید؛ ۴) نفوذ لابی اسرائیل در کنگره ایالات متحده و تضمین منافع اسرائیل در منطقه؛ و ۵) ممانعت از گسترش اسلام سیاسی و نفوذ دولت جمهوری اسلامی ایران در کشورهای منطقه.

بدون تردید در عصر جهانی شدن که به واسطه فن‌آوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی، تعاملات منطقه‌ای و بین‌المللی و روابط خارجی نقش تعیین‌کننده‌ای در سیاست خارجی کشورها به عهده دارد، توافق برجام، فرصتی برای بازنگری در روابط خارجی جمهوری اسلامی با قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در پساتحریم است. غرب آگاه است که با وجود تحریم‌های فزاینده علیه جمهوری اسلامی، وضعیت این کشور با سایر کشورهایی که شرایط مشابه را تجربه کرده‌اند -آلمان پس از جنگ جهانی؛ یک کشور بدهکار ورشکسته، کوبای پس از تحریم؛ به شدت فقیر و برخوردار از زیرساخت‌های فرسوده و متزلزل، یا لیبی فاقد ثبات سیاسی)، قابل مقایسه نیست. ایران پساتحریم، بازیگری فعال و دارای ثبات سیاسی و فرهنگ کهن و طبقه متوسط برخوردار از وضعیت مناسب است (Young, 2015:6) و در طول دوران تحریم نیز در تلاش برای مقابله با تنگنایهای اقتصادی و دور زدن تحریم‌ها، روابط و وابستگی متقابل با کشورهایی نظیر چین را گسترش داد.

با این حال، نخبگان سیاسی ایالات متحده مایل نیستند که شکست دیپلماسی نظامی و پذیرش هزینه‌های سنگین جنگ در عراق و افغانستان را بار دیگر در

ایران تجربه کنند. بنابراین تلاش خواهند کرد که ضمن حفظ گزینه نظامی به عنوان آخرین دست‌آویز غرب برای مقابله با رفتارهای سیاسی ایران، رویکرد تحریم‌محور خود را ادامه دهند. کنگره ایالات متحده با مطالعه هزینه و پیامدهای تحریم‌های چندجانبه علیه ایران، به این باور رسیده است که تحریم عواقب و اشتباهات محاسباتی جنگ در عراق را به دنبال ندارد و در محاسبه هزینه و فایده نیز با صرف هزینه کمتر، سود بیشتر را حاصل می‌نماید. دلیل موفقیت مذاکرات هسته‌ای با جمهوری اسلامی ایران را شدت‌گیری تحریم‌های هسته‌ای می‌پندارند و به استمرار این سیاست در دستیابی به اهداف خود خوش‌بین به نظر می‌رسند. در این راستا نباید از نقش رژیم صهیونیستی و پادشاهی عربستان سعودی در استمرار سیاست تحریم جمهوری اسلامی غافل بود. بازیگران ضدایرانی فوق با فضا سازی روانی موجبات حفظ و استمرار وضعیت گذشته سیاست تحریم بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی را ترویج می‌کنند.

با توجه به آنچه ذکر شد این پیشنهادات را می‌توان ارائه داد:

با پذیرش نهادینه شدن ابزار تحریم در سیاست خارجی ایالات متحده، به عنوان سیاست مطلوب نخبگان سیاسی آن کشور در برابر جمهوری اسلامی، اقدام زودهنگام دولت جمهوری اسلامی در جهت استفاده از فرصت‌ها و اجتناب از چالش‌های پسابرجام به منظور ارتقاء وضعیت و نقش منطقه‌ای کشور و جلوگیری از عدم گسترش تحریم یا بازگشت به شرایط پیشاتحریم بسیار مهم است. برخی از چالش‌های موجود در محیط سیاست خارجی کشور در شرایط پسابرجام عبارتند از: ۱) حصول اطمینان از پایبندی گروه ۱+۵ به اجرای تعهدات مرتبط با لغو تحریم‌ها و عدم کارشکنی امریکا و متحدین غربی‌اش؛ ۲) ضرورت تطبیق با استانداردهای مالی و پولی بین‌المللی (نظیر قوانین مبارزه با پولشویی^۱، تطبیق^۲ استانداردهای گزارش‌دهی و شفاف‌سازی مالی و پولی^۳ و...) برای بهره‌برداری از مزایای لغو تحریم‌ها و عضویت در نهادهای بین‌المللی نظیر سازمان

1. Anti- Money Laundering
2. Compliance
3. International Financial Reporting Standards (IFRS)

تجارت جهانی^۱؛ ۳) ضرورت ایجاد ثبات اقتصادی و حفظ ثبات سیاسی، برای کاهش ریسک کشور و پاسخ‌گویی به نیازهای اقتصادی و معیشتی مردم؛ ۴) تهدید گسترش حضور و نقش گروه‌های تکفیری و تروریستی به‌ویژه داعش در منطقه؛ ۵) اختلافات سرزمینی و چالش‌های موجود با کشورهای عربی خلیج فارس، موضع‌گیری اجماع‌گونه دولت‌های عرب، به‌ویژه عربستان سعودی و لابی قوی آن در نهادهای مهم منطقه‌ای، نظیر کنفرانس کشورهای اسلامی و اتحادیه عرب، و همراهی این دولت‌ها با سیاست‌های ایران‌هراسی آمریکا در مجامع بین‌المللی؛ ۶) وجود دولت‌های بی‌ثبات و جنگ‌های داخلی در مرزهای کشورهای همسایه؛ عراق، سوریه، یمن؛ ۷) لابی اسرائیل علیه جمهوری اسلامی ایران؛ و ۸) حفظ روابط سیاسی و تجاری با دیگر کشورهای مدعی قدرت منطقه‌ای نظیر ترکیه و مصر.

به‌منظور افزایش بهره‌وری از فرصت‌های برجام و کاهش چالش‌های موجود، جمهوری اسلامی می‌باید با ایجاد پیوستگی‌های متقابل و همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، به‌ویژه اقتصادی، با قدرت‌های اروپایی و غربی، یک عامل بازدارنده قوی در برابر بازگشت دوباره ایران به شرایط تحریم ایجاد نماید. اگرچه، با توجه به فضای سیاسی آمریکا در آستانه انتخابات آن کشور و همچنین موانع و برخی ابهامات موجود در برجام، ایجاد شرایط همکاری میان دو کشور در کوتاه‌مدت تحقق‌پذیر نخواهد بود، اما در این فاصله، دولت جمهوری اسلامی ایران می‌تواند در جهت ایجاد و تثبیت زمینه‌های گسترش تعاملات و همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی به‌ویژه با کشورهای عضو اتحادیه اروپایی فعالیت نماید و محیط فعالیت بین‌المللی ایران را همانند دوران پیشاتحریم، زمانی که همگرایی و اجماع میان سیاست‌های تحریم میان اتحادیه اروپایی و ایالات متحده و سایر نهادهای بین‌المللی شکل نگرفته بود، شبیه‌سازی کند. در شرایط پس‌برجام توجه و برنامه‌ریزی دولت در زمینه‌های زیر بسیار حیاتی و تاثیرگذار خواهد بود: ۱) اتخاذ رویکردی تعامل‌گرا و همکاری‌جویانه در خصوص مسائل و چالش‌های منطقه‌ای

نظیر داعش، یمن و سوریه؛ ۲) تلاش در جهت تطابق با استانداردهای مالی، پولی و اقتصادی بین‌المللی به منظور گسترش روابط اقتصادی و سیاسی با کشورهای اروپایی و همچنین اعضای دائم و غیردائم شورای امنیت (چین، روسیه، فرانسه، انگلیس، آلمان و...؛ ۳) تلاش در جهت رفع ابهامات و حساسیت‌های بین‌المللی نسبت به جمهوری اسلامی در حوزه‌هایی نظیر مسائل حقوق بشری، فعالیت‌های موشکی، حمایت از فلسطین و ضدیت میان اسرائیل و ایران، حمایت و تامین مالی تروریسم، گسترش نفوذ در سوریه، عراق و لبنان و گسترش همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در خصوص مسائل فوق در راستای کاهش میزان آسیب‌پذیری کشور؛ ۴) تلاش در جهت عادی‌سازی روابط با کشورهای منطقه، گسترش زمینه‌های تفاهم و همکاری‌های منطقه‌ای به ویژه در منطقه خلیج فارس به منظور ایجاد امنیت انرژی در سطح منطقه و بین‌الملل؛ ۵) تلاش در جهت پایان بخشیدن به ابهامات و اختلافات سرزمینی در حوزه خلیج فارس و دریای خزر؛ و ۶) گسترش تعاملات و ایجاد پیوندهای اقتصادی با کشورهای منطقه.

گسترش تعاملات و همکاری‌های بین‌المللی، رفع ابهامات فوق و ایجاد وابستگی‌های دو یا چندجانبه با اعضای اتحادیه اروپایی و شورای امنیت، پیگیری همکاری‌های صلح‌آمیز منطقه‌ای و در نتیجه دریافت حمایت کشورهای اروپایی برای ورود جمهوری اسلامی ایران به سازمان‌های بین‌المللی نظیر سازمان تجارت جهانی، فضای پیش از تحریم را برای جمهوری اسلامی بازسازی خواهد کرد و این همان شرایطی است که با در نظر گرفتن نهادینه شدن تحریم در سیاست خارجی ایالات متحده در برابر جمهوری اسلامی، کشور به آن نیاز دارد. فضایی که حتی با وجود گسترش تحریم‌ها از سوی ایالات متحده آمریکا، از همکاری و تعامل با سایر کشورهای اروپایی بهره‌مند است و بزرگ‌ترین شرکای تجاری آن را کشورهای توسعه‌یافته غربی نظیر آلمان و همچنین دیگر اعضای شورای امنیت که رأی آنها در قطعنامه‌های صادره این نهاد بین‌المللی تاثیرگذار است، تشکیل می‌دهند. در این فضا، وابستگی‌ها و پیوستگی‌های اقتصادی و سیاسی میان جمهوری اسلامی ایران و کشورهای اتحادیه اروپایی و همچنین اعضای شورای

امنیت یک‌جانبه نخواهد بود و قطع مجدد روابط یا اعمال تحریم‌های بیشتر به منزله افزایش آسیب‌پذیری همه طرف‌ها خواهد بود.



یادداشت‌ها

۱. مرکز نشر: کاخ سفید - آمریکا.
۲. تحریم‌های آمریکا علیه ایران دو بخش اولیه و ثانویه را شامل می‌شود. تحریم‌های اولیه، مراودات اشخاص حقیقی و حقوقی امریکایی با ایرانیان را منع می‌کند.
۳. براساس این توافق، لیست شرکت‌های چندملیتی مجاز در زمینه صادرات کالاهای اساسی (عمدتاً شرکت‌های دارویی و معدودی غذایی) به ایران توسط سازمان خزانه داری آمریکا منتشر شد که به موجب آن بانک‌ها در ارائه خدمات موردنیاز به این شرکت‌ها، در چهارچوب و شرایط مشخص تعریف شده، منعی از سوی ایالات متحده آمریکا نداشتند.
۴. آمار مربوطه از سایت اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران استخراج شده و نمودارها توسط نگارنده تهیه شده است. در نمودار مذکور، به عنوان مثال در سال ۱۳۹۳، از ۱۰۰٪ کل حجم صادرات کشور، بیشترین درصد صادرات کشور (حدود ۲۶٪) به کشورهای چین و عراق (۱۷٪) و کمترین میزان به ژاپن (۰٫۰۹٪) تعلق داشته است. در هر سال، به ترتیب حجم صادرات به امارات، عراق، چین و... نشان داده شده است.

منابع

الف) فارسی

ایزدی، فواد. ۱۳۹۰. **دیپلماسی عمومی آمریکا در قبال ایران**. تهران: دانشگاه امام صادق(ع).

پوستینچی، زهره و ابراهیم متقی. ۱۳۹۳. ایران در نگرش نخبگان، نهادهای اجتماعی و ساختار سیاسی آمریکا، تهران: میزان.

خسروشاهین، هادی. ۱۳۸۵. نقش احزاب و نخبگان سیاسی در آمریکا، **همشهری آنلاین**. رنانی، محسن. ۱۳۹۴. فاز صفر اقتصاد ایران در دوره پساتحریم، **دنیای نساجی**، شماره (۱۱): ۹۰-۹۲.

زهرانی، مصطفی. ۱۳۷۶. **نظریه‌های تحریم اقتصادی**، تهران: وزارت امور خارجه. سجادپور، سیدمحمدکاظم و سعیده اجتهادی. ۱۳۸۹. نگرش امنیتی غرب و تهدیدات بین‌المللی پس از جنگ سرد؛ مطالعه موردی برنامه هسته‌ای ج. ا. ایران، **دانش سیاسی**، شماره ۱: ۲۵-۵۹.

سیمبر، رضا. ۱۳۸۹. سیاست خارجی آمریکا و تحریم‌های جدید علیه جمهوری اسلامی ایران، **دانش سیاسی**، ۶ (۲): ۱۰۷-۱۳۸.

شریعتی‌نیا، محسن و محمدرضا عابدین مقانکی. ۱۳۹۳. تحریم‌ها و جهت‌گیری صادرات ایران: اقتصاد سیاسی دوران گذر در روابط بین‌الملل، **فصلنامه روابط خارجی**، ۶ (۲): ۷-۳۱.

شکوهی، سعید. ۱۳۹۱. **معمای تحریم**، تهران: خبرگزاری فارس. عرب یارمحمدی، جواد. ۱۳۹۳. **اقتصاد سیاسی تحریم ایران**، ترجمه مهدی ساعتچی، جواد عرب یارمحمدی و صادق موسوی، تهران: فرهنگ صبا.

کاناندا، فرانکلین ویو. ۱۳۷۶. تحریم‌های اقتصادی و روابط بین‌الملل، ترجمه سیدمحسن علی سبحانی، در **نظریه‌های تحریم اقتصادی**، ویرایش مصطفی زهرانی، تهران: وزارت امور خارجه: ۱۵۶-۱۷۷.

لورت، فلینت و هیلاری مان لورت. ۱۳۹۴. **یادداشت مشترک فلینت و هیلاری لورت** برای دیپلمات، تهران: دیپلمات.

مهربانی، وحید. ۱۳۹۴. تحریم‌های اقتصادی ایران، پیشینه و پیامدهای آن، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ۲۹۹: ۱۰۴-۱۱۵.

موسویان، سیدحسین. ۱۳۹۴. ایران و امریکا؛ گذشته شکست خورده و مسیر آشتی، تهران: تیسرا.

وصالی، ساناز و مهرنوش ترابی. ۱۳۸۹. اثرات تحریم بانک‌ها بر اقتصاد و سیستم بانکی، بانک و اقتصاد، (۱۱۱): ۳۸-۴۴.

(ب) انگلیسی

- Cordesman, A. H. 2016. Iran after the Agreement. In C. COHEN & M. G. DALTON (Eds.), **Global Forecast 2016** (pp. 30-32). Washington, DC: Center for Strategic and International Studies (CSIS).
- Giumelli, B. F., & Ivan, P. 2013. The effectiveness of EU sanctions, **European Policy Centre**.
- Ianchovichina, E., Devarajan, S., & Lakatos, C. 2016. **Lifting Economic Sanctions on Iran Global Effects and Strategic Responses, Policy Research Working Paper**. Retrieved from [https:// openknowledge.worldbank.org/bitstream/handle/10986/23726/Lifting0econom00strategic0responses.pdf?sequence=1&isAllowed=y](https://openknowledge.worldbank.org/bitstream/handle/10986/23726/Lifting0econom00strategic0responses.pdf?sequence=1&isAllowed=y)
- Ilias, S. 2010. Iran's Economic Conditions. **CRS Report for Congress**, Prepared for Members and Committees of Congress Congressional.
- Kaempfer, W. H., & Lowenberg, A. D. 2007. The Political Economy of Economic Sanctions. In T. S. and K. Hartley (Ed.), **Handbook of Defense Economics - Defense in a Globalized World** (Vol. 2, pp. 867-911). London: Elsevier B.V.
- Katzman, K. 2016. Iran's Foreign Policy. **Congressional Research Service**.
- Lacy, D., & Niou, E. 2004. A Theory of Issue Linkage and Economic Sanctions: The Roles of Information, Preferences, and Threats. **Journal of Politics**, 66(1), 25-42.
- Lopez, G. A., & Cortright, D. 1995. The Sanctions Era: An Alternative to Military Intervention. **The Fletcher Forum of World Affairs**, 19(2), 65-85.
- Malka, H. 2016. U . S . -Israel Ties after the Agreement. **Global Forecas**, 33-35.
- Nossal, K. R. 2015. Organization : punishment International sanctions as international punishment Kim Richard Nossal. **International**

Organization.

- Pawlak, P. 2016. Iran after the nuclear deal. **European Parliamentary Research Service.**
- Rennack, D. E. 2015. Iran: U . S . Economic Sanctions and the Authority to Lift Restrictions. **CSR Report.**
- The White House. 2016. **The Iran Nuclear Deal: What You Need to Know About the JCPOA.** Washington. Retrieved from [https:// www.whitehouse.gov/ sites/ default/ files/ docs/ jcpoa_ what_ you_ need_ to_ know. pdf.](https://www.whitehouse.gov/sites/default/files/docs/jcpoa_what_you_need_to_know.pdf)
- Tsebelis, G. 1990. Are Sanctions Effective? A game Theoretic Analysis. **The Journal of Conflict Resolution**, 34(1), 3-28.
- Versailles, B. 2016. **The Economic Implications of Iran ' s Economic Sanction Relief.** Retrieved from [http:// www. imf. org/ external/ np/ blog/nafida/020116.pdf.](http://www.imf.org/external/np/blog/nafida/020116.pdf)
- Wilson, T. 2015. **A Flawed Deal.** the Centre for the New Middle East (Vol. 5). London.
- Young, K. E. 2015. Post-Sanctions Prospects for GCC-Iran Trade. In H. Ibish (Ed.), **Confrontation or Conciliation: How the Nuclear Agreement is Reshaping GCC-Iran Relations** (pp. 6-8). Washington, DC: The Arab Gulf States Institute in Washington (AGSIW).
- Zanotti, J. 2015. Israel: Background and U.S. Relations. **CSR Report.**

